

نقش امام سجاد (ع) در غنی سازی فرهنگ اسلام و شیعه

محمدجواد حسن زاده^۱Email: hasanzadehmohammad@rocketmail.com^۱

چکیده:

از جمله مسائل و موضوعاتی که باید در خصوص قیام و فرهنگ عاشورا مورد دقت و پژوهش قرار گیرد. جایگاه و نقش امام سجاد (علیه السلام) در احیاء و زنده نگهداشتن قیام عاشورا است. هیچ انسان منصف و محققى که با تاریخ اسلام آشنایی کامل دارد، تأثیر و نقش امام سجاد (علیه السلام) را در زنده نگه داشتن نهضت کربلا منکر نمی شود.

کلید واژه: نقش امام سجاد(ع)، فرهنگ ، نقش، شیعه

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی، کارشناس ارشد سنجش و اندازه گیری (روانشنجی)، مدرس دانشگاه . پیام نور، شازند، ایران.

از جمله مسائل و موضوعاتی که باید در خصوص قیام و فرهنگ عاشورا مورد دقت و پژوهش قرار گیرد. جایگاه و نقش امام سجاد (علیه السلام) در احیاء و زنده نگهداشتن قیام عاشورا است. هیچ انسان منصف و محققى که با تاریخ اسلام آشنایی کامل دارد، تأثیر و نقش امام سجاد (علیه السلام) را در زنده نگه داشتن نهضت کربلا منکر نمی‌شود. امام سجاد (علیه السلام) حدود سی و پنج سال بعد از پدر بزرگوارش در قید حیات بود در این دوران سی و پنج ساله امام زین العابدین (علیه السلام) کارهای بزرگی در جهت حفظ ارزش‌های اصیل اسلامی و زنده نگهداشتن آرمان‌های مقدس کربلا انجام دادند در این نوشتار به طور خلاصه به چند کار عمده حضرت در آن دوران اشاره می‌کنیم.

۱- تبیین قیام عاشورا

اولین و مهمترین کار ونقشی که امام سجاد (علیه السلام) بعد از شهادت پدر بزرگوارش امام حسین (علیه السلام) انجام دادند، تبیین و روشن‌گری و بیان مظلومیت امام حسین (علیه السلام) و نقش بر آب کردن برنامه‌های اسلام زدایی بنی‌امیه در زمان خود بوده است. در حالی که دستگاه خلافت نوعاً سعی می‌نمودند که بر اعمال ننگین و شیطانی خود وجه شرعی و دینی ببخشند امام سجاد (علیه السلام) با بیان و مشخص کردن ماهیت شیطانی و سفاک خلافت بنی‌امیه امت اسلامی را روح تازه بخشیدند، و مسلمانان را به خطای بزرگی که مرتکب شدند آگاه نمودند. «حضرت چهل سال با دیدگانی اشکبار و قلبی داغدار بر این رویداد غمبار می‌گریست و شبانه روزش به روزه‌داری و شب‌زنده‌داری می‌گذشت! هنگامی که غذا برای افطارش حاضر می‌شد، از شهادتگاه پدر و شهیدان به خون خفته کربلا یاد می‌کرد و می‌فرمود: آه از غم و اندوه! ای وای بر این مصیبت! و زمزمه می‌کرد و اشک می‌ریخت و این جمله را بر زبان می‌آورد که: وا کربلاه! و نیز می‌فرمود: «قتل ابن رسول الله جائعا! قتل ابن رسول الله عطشانا!» فرزند گرانمایه پیامبر گرسنه به شهادت رسید! پسر پیامبر را با لب تشنه کشتند! و آنقدر می‌گریست که گریبان جامه‌اش اشک آلود می‌گردید!».

۲- تبیین معارف غنی اسلامی در قالب دعا و نیایش

یکی از مسائلی که باعث شده امام حسین (علیه السلام) اقدام به قیام علیه دستگاه جور و ظلم نماید در خطر افتادن دین و معارف اسلامی غنی اسلامی بود. خلافت بنی‌امیه چهره‌ای غلط و غیر اسلامی را از دین به جامعه ارائه داده بودند بزرگان و سران بنی‌امیه به راحتی مرتکب فجیع‌ترین منکرات دینی و اجتماعی می‌شوند. آموزه‌های دینی را به سخره گرفته بودند. روح دین و معنویت از جامعه رخت بسته بود. بعد از شهادت اباعبد الله الحسین (علیه السلام) این امام سجاد (علیه السلام) بود که با بیان معارف غنی و ارزشمند اسلامی در قالب دعا و نیایش حقیقت دین را برای امت اسلامی ترسیم می‌نمود. که بهترین یادگار امام سجاد (علیه السلام) در این خصوص کتاب گران سنگ صحیفه سجادیه است.

۳- تربیت شاگردان اثربخش در جامعه اسلامی

سومین نقش امام سجاد(علیه السلام) بعد از نهضت کربلا تربیت شاگردان بزرگ برای اسلام بوده است. منابع تاریخی و حدیثی به چندین مورد از شاگردان برجسته امام سجاد(علیه السلام) اشاره کرده است، از جمله اینکه از شاگردان معروف امام می توان از این افراد نام برد:

۱. ابوحمزه ثمالی: نام او ثابت بن دینار و از نزدیک ترین اصحاب امام سجاد بود. او شیخ بزرگ شیعیان کوفه در عصر خویش بود. او هم از نظر علمی و هم از نظر معنوی در حد بالایی بود. از امام رضا (علیه السلام) نقل شده: «ابوحمزه ثمالی در زمان خودش مانند لقمان در عصر خویش بود». او دعای سحرهای ماه رمضان معروف به دعای ابوحمزه ثمالی و همچنین «رساله حقوق» را از امام سجاد(علیه السلام) روایت کرده است. او پس از امام سجاد سالیان زیادی عمر کرد و محضر امام محمدباقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) و امام کاظم (علیه السلام) را هم درک کردند.

۲. یحیی بن ام الطویل: از یاران پرشور و از نزدیکان خاص امام سجاد(علیه السلام) بود. او در کوفه و در عصر حکومت حجاج با صدای بلند در میان مردم می گفت: «هرکسی علی را سب کند، لعنت خدا بر او باد. ما از آن مروان و معبودهایی که غیر از خدا گرفته اند، بیزاریم». [۳] حجاج به خاطر این اعتراضات و سخنان پرشور او را به شهادت رساند.

۳. سعید بن جبیر: وی از اصحاب سرشناس امام سجاد(علیه السلام) و از نظر علمی مورد قبول شیعه و سنی بود. احمد بن حنبل (یکی از امامان اهل سنت) معتقد بود، سعید در حالی کشته شد که همه مردم به دانش او محتاج بودند. [۴] او بسیار خداترس و پرهیزکار بود و علاقه زیادی به قرائت قرآن داشت؛ به حدی که در ماه رمضان هر شب و در غیر ماه رمضان هر دو شب قرآن را ختم می کرد. [۵] حجاج این مرد بزرگ را در سال ۹۵ هجری به شهادت رساند.

۴. سعید بن مسیب: از قدیمی ترین اصحاب امام سجاد (علیه السلام) و موصوف به فقه و تقوا بود. ابن حیان (از رجالیون اهل سنت) می نویسد: او در فقه، دین داری، عبادت، فضل و پارسایی سرآمد تابعین بود. امام صادق(علیه السلام) در روایتی او را از ثقات علی بن الحسین(علیه السلام) معرفی کرده است.

۵. ابو خالد کابلی: او در ابتدا به امامت محمد بن حنیفه معتقد بود، و با اعتراف محمد توانست امام حقیقی را بشناسد و بعد از آن در زمره حواریین امام سجاد (علیه السلام) قرار گرفت. امام صادق(علیه السلام) او را هم از ثقات امام سجاد (علیه السلام) معرفی کرده است.

سخن آخر

هر چند همیشه امامان معصوم(علیه السلام) از طرف دنیا پرستان و حکومت های طاغوتی زمان خود تحت شدیدترین تهدیدات و فشارهای گوناگون سیاسی، اجتماعی، نظامی بودند ولی با این حال این اسوه های تقوا و یکتا پرستی هیچ گاه از رسالت هدایت و راهنمایی پیروان خود دست برنداشته و با روش های گوناگونی حقیقت را برای آنان روشن می نمودند. از جمله اینکه امام

سجاد(علیه السلام) در جامعه بحران زده زمان خود با متوسل شدن به دعا و نیایش زیباترین و با ارزش ترین معارف را در اختیار امت اسلامی قرار دادند.

امام سجاد(ع) با فعالیت های سیاسی - الهی خود تمدن اسلامی را شکوفا کردند

نباید از نقش امام سجاد(ع) در احیاء عاشورا غفلت کرد؛ امام سجاد(ع) با نگارش آثار مکتوبی همچون صحیفه سجادیه، مناجات خمسه عشر، مناجات ابوحمره ثمالی و رساله الحقوق و... تمدن اسلامی را شکوفا کردند، امام (ع) با فعالیت سیاسی - الهی خود مانع از دست رفتن اهداف قیام عاشورا شدند.

گروه حوزه های علمیه: نباید از نقش امام سجاد(ع) در احیاء عاشورا غفلت کرد؛ امام سجاد(ع) با نگارش آثار مکتوبی همچون صحیفه سجادیه، مناجات خمسه عشر، مناجات ابوحمره ثمالی و رساله الحقوق و... تمدن اسلامی را شکوفا کردند، امام (ع) با فعالیت سیاسی - الهی خود مانع از دست رفتن اهداف قیام عاشورا شدند.

حجت الاسلام والمسلمین محمد صحتی سردرودی، نویسنده کتاب «تحریف شناسی و تاریخ قیام امام حسین(ع)» در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران(ایکنا)، با اشاره به تحریفات ابن تیمیه در خصوص حادثه عاشورا، اظهار کرد: ابن تیمیه متولد ۶۶۱ در شهر حران است و در سال ۷۲۸ در دمشق از دنیا رفته است، یعنی ۳۹ سال از قرن هفتم و ما بقی عمرش را در قرن هشتم زیسته و همه عمرش در شامات بوده است(۵).

وی افزود: حران شهری بوده که نخست، جایگاه صابئین و ستاره پرستان بود و بعد از اسلام اولین شهری است که در آن، کتب فلسفی از زبان های یونانی به عربی ترجمه شده است؛ او مفتی و متکلمی شیعه ستیز بوده و شیخ الاسلام وهابی ها و طالبانیست ها هم هست و در ضمن در حوزه عاشورا پژوهی به سه تحریف بزرگ دست زده است.

این پژوهشگر تاریخ اسلام، اظهار کرد: اولین تحریف وی آن است که وی قیام امام را شورش و آشوب پنداشته و هیچ مصحلتی بر آن ندیده و از آنجایی که شورش بر حکومت جور و ستم را در ممالک اسلامی جایز نمی دانست، و آن را باعث دو دستگی مسلمانان می پنداشت؛ لذا اقدام امام را ناروا و مفسده دانسته است که این مطلب در کتاب «منهاج السنه»، جلد دو، صفحه دویست چهل و یک آمده است.

وی گفت: تحریف دوم، آن بود که وی به عدالت صحابه و اصل سلف صالح به سختی پایبند بود و از همین روی به تبرئه یزید روی آورده و دامان بنی امیه را پاک کرده که در کتاب «الوصیه الکبری» در صفحه ۵۲، بیان می کند که تمام صحابه پیامبر(ص)

عادلند و با این کار خواسته بگویند که اگر معاویه نیز فرزندش را به خلافت نشانده، از روی عدالت بوده و اگر یزید نیز این جنایت را مرتکب شد، او نیز خلاف عدل و مصلحت رفتار نکرده و حتی کسانی که دور این دو نفر در دوران حکومت خود جمع شدند و از آنها حمایت کردند نیز زیر سوال نیستند و به همین دلیل است که سعی می‌کند یزید و معاویه و دیگران را تبرئه کند؛ وی منکر شده که حتی سر امام حسین(ع) را از کوفه به شام برده باشند و اعلام کرده است که خانواده امام حسین(ع) را به اسیری نبردند و بر این مطلب بر خلاف همه مورخان و حقایق مسلم تاریخی سخنوری فراوان کرده است.(۶)

این پژوهشگر تاریخ اسلام در بیان سومین تحریف ابن تیمیه اظهار کرد: وی در سومین تحریف خود نه تنها آل یزید، بلکه مردم شام را از جنایات مبری دانسته و همه کاسه‌ها را بر سر مردم کوفه شکسته است؛ وی با مبری کردن عثمانی مذهب‌ها، شیعیان و علوی‌ها را، قاتلان امام قلمداد کرده است که این مطلب نیز در رساله «راس الحسین(ع)» در صفحه ۲۰۸ بیان شده است.

تشریح انگیزه‌های ابن تیمیه از تحریف تاریخ

وی افزود: به واقع بر اساس اسناد و مدارک تاریخی وی برای این تحریفات، انگیزه‌های مختلف داشته است که مهمترین آن، نجات مردم منطقه شامات از تاخت و تاز مغول‌های تازه با اسلام آشنا شده بود زیرا آنان پس از همزیستی چندی با ایرانیان با اسلام آشنا شده بودند و پس از حضور در شامات و عزم فتح شهرهایی که ابن تیمیه در آن حضور داشت، به انگیزه این مطلب که این مردم همان مردمی هستند که خاندان آل الله را قتل عام کردند، می‌خواستند آنان را قتل عام کنند که ابن تیمیه در دیدارهایی که با فرماندهان مغول داشت برای تسلیم چاره‌ای اندیشید و این تحاریف را ساخت تا به مغول‌ها بگوید که قاتل امام حسین(ع) کوفیان هستند و نه شامی‌ها؛ برای این مسئله نیز مستندات بسیاری داریم.(۷)

نویسنده کتاب «تحریف‌شناسی و تاریخ قیام امام حسین(ع)»، اظهار کرد: وی این سه تحریف بزرگ را مطرح کرد که خوشبختانه در انتشار و نهادینه کردن دوتای اولی ناموفق بود و همگان جواب او را دادند و حتی بسیاری از اهل سنت نیز سخن او را نپذیرفتند و یزید را تبرئه نکردند، کما اینکه امروز چنین بر این باور هستند، ولی در تحریف سوم که گفته بود امام را مردم شام نکشتند و تقصیرها را به گردن شیعیان کوفی انداخت، موفق بود؛ وی تحریفی ساخت که بعدها حتی به مجالس روضه ما هم رسوخ کرد و به شعارهای عزاداری ما نیز تبدیل شد که در آن مردم کوفه را مردمی بی‌وفا می‌نامیم و همه نفرین‌ها را نصیب مردم آن بلاد می‌دانیم که باید در اینجا بین مردم کوفه نشین و شیعیان کوفه تفاوت جدی قائل شد؛ در واقع ابن تیمیه قصد داشت بگوید که

مردم شیعی کوفه امام را شهید کردند و پس از دو دستگی بین خود، مجبور به قیام علیه یزید شدند و... یعنی وی قصد داشت بگوید که کلا همه این وقایع را شیعیان رقم زدند.

وی با اشاره به نقش دستگاه اموی در جعل دروغ بر علیه شیعیان کوفه و استفاده از جنگ بین عراقی‌ها و شامی‌ها در قرون متمادی اظهار کرد: این دروغ‌ها، ساخته بنی امیه است، تازه اگر قبول کنیم که این مطلب درست است و آنها بی‌وفا بودند ولی نمی‌توانیم از نام‌هایی چون حجر بن عدی و میثم و رشید حجری و حبیب و... که اهل کوفه بودند به سادگی بگذریم؛ افرادی که تا پای جان، پای آرمان امامشان ایستادند؛ مسجد کوفه، سومین مکان ارزشمند در دنیای اسلام است که ثواب نماز در آن بعد از خانه کعبه که حرم الله و مسجد الحرام که حرم رسول الله (ص) است در مرتبه سوم قرار دارد و جایگاه بسیاری در فرهنگ اهل بیت (ع) دارد و نباید این گونه پنداشت که مردم این شهر همگی بد بودند کما اینکه هسته مرکزی بسیاری از شیعیان در مناطق مختلف را نیز، بعدها همین کوفیان تشکیل دادند.

معاویه برای رسیدن به اهداف خود بافت اجتماعی شیعی کوفه را برهم زد

وی افزود: روزی که امام را در کربلا شهید کردند، بیست و یک سال از شهادت حضرت علی (ع) می‌گذشت و در این سال‌ها معاویه همه کاره مسلمانان شده بود؛ وی با دقت فراوان برای پراکنده کردن شیعیان از این شهر با نفوذ ترکیب جمعیتی کوفه را به هم زد و با قتل، زندانی کردن، کوچاندن و آزار علویان و جایگزین کردن عثمانی‌ها در این بلاد که دشمنان خونی شیعیان بودند، به طور کلی بافت اجتماعی آنجا را برهم زد؛ کوفیان نیز از آن پس به ایران و مناطق دیگر کوچک کردند و معاویه نیز توانست عشیره‌های عثمانی مذهب که بر این باور بودند امام علی (ع) و فرزندانشان در قتل عثمان نقش داشته و باید از شیعیان آنها انتقام گرفت را در این شهر، جای دهد و روزی که امام به سمت کوفه حرکت کردند، بیشتر این افراد، کوفی نبوده بلکه کوفی نشین و خارجی و عثمانی بودند. (۶)

نویسنده کتاب «عاشورا پژوهی با رویکرد تحریف‌شناسانه»، بیان کرد: نامه نویسان به امام حسین (ع) از گروه‌های مختلف بودند، یک دسته مردم عراق بودند که چشم دیدن مردم شام نداشتند و می‌خواستند از حرکت امام برای کوبیدن اموی‌های شامی، استفاده ابزاری کنند؛ یک دسته دیگر شیعیانی بودند که برای امام، نامه نوشتند که این افراد نیز چند دسته شدند؛ یک دسته آنان را ابن زیاد تبعید کرد؛ یک دسته را شهید کرد که از آن جمله می‌توان به میثم تمار اشاره کرد که بعد از مسلم ابن عقیل

شهید شد و عده‌ای را نیز به بند کشانید که در آن بین می‌توان به سلیمان صد خزاعی اشاره کرد و دیگرانی از جمله حبیب ابن مظاهر و مسلم بن اوسجه نیز که به کربلا رفتند و در رکاب حضرت به شهادت رسیدند.

خوارج، عثمانی‌ها و شامیان؛ سه گروه محارب سپاه یزید

وی گفت: کسانی نیز در قتل امام و یارانشان دست داشتند، سه دسته بودند که هیچ کدام شیعه نبودند؛ هیچ کدام هم اصالتاً مردم کوفه نبودند؛ یک دسته از آنها، خوارج بودند؛ یعنی خارجی مذهب‌ها که اینها سابقه‌ای پیش از جنگ‌های امام علی(ع) دارند؛ بعد از رحلت پیامبر(ص)، این افراد که مردم بادیه‌نشین بودند مرتد شدند و بعد که مغلوب شدند، گفتند ما مسلمانیم و ظاهراً به اسلام روی آوردند ولی هرگاه که فرصت می‌یافتند در شهرهای مسلمان‌نشین دست به آشوب می‌زدند و حتی در قتل عثمان نیز همین خارجی مذهب‌ها را در راس می‌بینیم که بعد معاویه آنان را به کوفه کوچاند و در هنگام فاجعه عاشورا، از کوفه به سوی کربلا اعزام شدند.(۶)

جنگ اعتقادی عثمانی‌ها در مقابل سپاه امام حسین(ع)

صحتی سردرودی تصریح کرد: دسته دوم، عثمانی مذهب‌ها بودند که می‌گفتند که عثمان افضل از امام علی(ع) است و تشنه کشته شد و باید انتقامش از فرزندان امام(ع) و وفاداران به آنها گرفته شود و این افراد در کربلا با شعار خونخواهی عثمان در مقابل امام حسین(ع) قرار گرفتند و قصد قتل علویون را داشتند که اصلاً در این نبرد به جای اینکه خود را سرباز یزید بدانند، خونخواه عثمان می‌دانستند و نبردی اعتقادی را به زعم خود دنبال می‌کردند.

وی گفت: سومین گروه از محاربان علیه امام، مردم شام بودند که لشکریانی از این بلاد به سوی کربلا اعزام شده بود؛ آنها نقشه داشتند که شهادت حضرت در این جنگ را به گردن عراقی‌ها و کوفیانی چون شمر و سنان و خولی و شبت که خارجی مذهب‌های کوفی بودند بیاندازند و آنها را جلو انداختند و خود پشت سر آنها قرار گرفتند؛ نکته جالب این است که شمر فرمانده چهارهزار نفر نیروی زبده نظامی شامی بود و در این میان تنها خود او، کوفی بود؛ شیخ صدوق نقل کرده است که وقتی امام از اسب به زمین افتادند دو نفر که همان شمر و سنان بودند در میان گروهی از مردمان شام قصد بریدن سر حضرت را کردند که این واقعه به نوعی است که گمان قوی برده می‌شود که آنها را به این کار واداشتند تا این فاجعه را به نام کوفیان بنویسند؛ پس از شهادت امام حسین(ع)، شیعیان کوفی امام به رهبری سلیمان خزاعی ۹۲ ساله که از یاران با وفای کوفی پیامبر(ع) و امام علی(ع) بود بر علیه امویان قیام کردند.(۷)

اختلافات شیعیان منجر به شهادت مسلم ابن عقیل شد

وی اظهار کرد: وی عزم لشکرکشی به شام را داشت و می خواست به ریشه بزند که مختار مخالفت کرد و گفت که باید در کوفه بجنگیم؛ این اختلاف دو جا به ضرر مسلمانان شد که مختار با مخالفت با سلیمان قبل از شهادت حضرت مسلم کار را به جایی رسانید که جناب مسلم ابن عقیل از خانه مختار به خانه هانی نقل مکان کرد و بعد از آن، مختار هم شیعیانی را با خود جمع کرده و به شهر مداین برد و کوفه از جوانان شیعی خالی شد وقتی که مسلم را شهید کردند، دوباره برگشت؛ بعد از شهادت امام نیز با سلیمان بر سر هدف اصلی جنگ بین کوفه و شام به مخالفت پرداخت و در کوفه ماند و سلیمان در جنگ با امویان تنها ماند.

این استاد حوزه در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر این که نباید از نقش امام سجاد(ع) در احیاء عاشورا غفلت کرد عنوان کرد: امام سجاد(ع) با نگارش آثار مکتوبی همچون صحیفه سجادیه، مناجات خمسہ عشر، مناجات ابوحمزہ ثمالی و رسالۃ الحقوق و... تمدن اسلامی را شکوفا کرد؛ امام سجاد(ع) با فعالیت سیاسی - الهی خود مانع از دست رفتن اهداف قیام عاشورا شدند؛ حضرت با خطبه هایی که در طول مسیر کربلا تا شام خواندند، حکومت اموی را رسوا کردند. (۸)

منابع:

- [۱]. در سوگ امیر آزادی (ترجمه مشیر الأحزان)، ص ۳۷۳.
- [۲]. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، (رجال کشی)، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۴ ه، ج ۲، ص ۴۵۸.
- [۳]. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، نجف: مکتبه الحیدریه، بی تا، ج ۳، ص ۳۱۲.
- [۴]. عزیزی، حسین و دیگران، راویان مشترک، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ج ۱ ص ۳۹۶.
- [۵]. همان، ص ۳۹۵.
- [۶]. همان، ص ۴۰۶.
- [۷]. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، (رجال کشی)، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۴ ه، ج ۱، ص ۳۳۶.
- [۸]. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارلکتب الاسلامیه، چاپ ۳، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۴۷۲.